

سرمایه داری، سوسیالیسم و محیط زیست [i]

کوبین نانس

برگردان: آرمان پویان

کشورهای نظیر چین و هند، با ۲.۵ میلیارد نفر و یا به عبارتی ۴۰٪ جمعیت جهان، به سرعت در حال صنعتی شدن می باشند. اما این که صنعتی شدن بر چه مبنایی صورت می گیرد- همگام و هماهنگ با محیط زیست و یا با گسترش و ادامه بحران زیست محیطی فعلی- مسأله ایست که تنها می تواند از سوی کارگران و فقرای این کشورها و مابقی دنیا پاسخی قطعی داده شود. اگر روند صنعتی شدن بر پایه سرمایه داری است، که غالباً در هر سه ماهه مالی اندازه گیری می شود و نه در هر نسل، نتیجه پیشاپیش معلوم خواهد بود: قحطی، هوای غیر قابل استنشام، به زیر آب رفتن سواحل بر اثر ذوب یخ های قطبی و بیماری هایی که سابقاً ناشناخته بوده اند، مثل مالاریا در پنسیلوانیا! و اما علت تمامی این ها: سرمایه داری.

بسیاری از افراد دست راستی، "حمایت از حفظ محیط زیست" (*Environmentalism*) را به باد انتقاد می گیرند و می گویند که اصولاً اشاره به مشکلات مزبور، اقتصاد را از رونق می اندازد. یعنی، اگر کارخانجات مجبور باشند حجم آلودگی ای را که ایجاد می کنند، تحت کنترل درآورند، آن گاه تولید صنعتی کاهش خواهد یافت. هرچند، برخی بنگاه های سرمایه داری با رفتن به سراغ تولید به اصطلاح "سبز" هم اکنون سودهای عظیمی به جیب می زنند.

به هر حال، این "سبز کردن" اقتصاد در بسیاری موارد گمراه کننده است؛ مثال صنعت نفت را در نظر بگیرید، که در آن به جای سرمایه گذاری روی تکنولوژی های واقعاً سازگار با محیط زیست، ابرشرکت هایی مثل بریتیش پترولیم (*BP*) و اکسان (*Exxon*)، روی اتانول سرمایه گذاری می کنند، به همین منظور قسمت های بزرگی از زمین های زیرکشت را خریداری می کنند تا محصولاتی را برای تبدیل به نوعی از بنزین به عمل آورند. همین موضوع، بر محیط زیست اثری بد، اگر نگوئیم وخیم، خواهد داشت. چقدر نوآوری! تصمیمات ابرشرکت هایی مانند اکسان بر اساس یک سری نیازهای لحظه ای است، مثلاً نیاز به "سبز" شدن و جلوگیری از خوردن برچسب "شرکت نفتی بزرگ". حالا این که خریدن کشتزار برای تولید اتانول موجب افزایش قیمت مواد غذایی می شود، دیگر اهمیتی ندارد.

اخیراً صحبت های زیادی در مورد اتومبیل های الکتریکی و هیدروژنی شنیده می شوند. چنین ماشین هایی می توانند تکنولوژی های شگفت آوری باشند که قادرند وابستگی ما به سوخت های فسیلی را کاهش دهند، اما متأسفانه، در نظام سرمایه داری، تا زمانی که دیگر سوخت فسیلی زیادی باقی نمانده باشد، ما هم چنان به سوخت های فسیلی وابسته خواهیم ماند. در ضمن، راه حل های کنونی هم کفایت نمی کنند.

اتومبیل های الکتریکی نمی توانند پاسخی بلندمدت به مسأله مذکور باشند. شما برای شارژ اتومبیل باید آن را به منبعی وصل کنید، این منبع انرژی هم باید از جایی تأمین شود. در حال حاضر، این انرژی احتمالاً از سوختن سوخت های فسیلی در نیروگاه ها به دست می آید. در ضمن، اگرچه اتومبیل شما مستقیماً کربن را در هوا آزاد نمی کند، اما نیروگاه هایی که انرژی لازم برای اتومبیل شما را تهیه می

کنند، این کار را انجام می دهند. به همین ترتیب، دورنمای "ماشین های هیدروژنی" در نظام سرمایه داری هم چندان امیدوار کننده نخواهد بود.

برای گسترش اتومبیل های هیدروژنی، به طرح و برنامه عظیمی نیاز است که کارخانجات را برای "تولیدات سبز" از نو تجهیز کند و ضمناً، در کنار آن، برنامه ای برای تجهیز مجدد ایستگاه های سوخت سراسر کشور لازم است تا این ایستگاه ها با اتومبیل های جدید تطبیق پیدا کند. به علاوه، ما نیاز داریم که دسترسی به حمل و نقل عمومی امن، کارا و ارزان را به میزان قابل توجهی بالا ببریم. چنین برنامه عظیمی، تنها از طریق یک طرح هماهنگ و دربرگیرنده تمامی بخش های کلیدی اقتصاد است که می تواند به سهولت صورت پذیرد.

در شرایط فعلی، ما ده ها میلیون نفر از مردمی را داریم که بیکارند، با اقتصادی سروکار داریم که تا انتها در زباله فرورفته است و وابستگی به سوخت های فسیلی هم در جای خود باقیست. با این وجود، مداوماً به ما گفته می شود که سرمایه داری "خودش را متعادل" می کند. هرچند، در واقع سرمایه داری این کار را خواهد کرد، ولی تنها به بهای فلاکت اکثریت عظیم ساکنین این کره خاکی. من هم به شخصه نیویورک سیتی را دوست دارم، اما اگر ما توسعه اقتصادی خود را با محیط زیست هماهنگ نکنیم، بعید نیست که این منطقه در دو دهه آینده زیر آب برود.

تنها تحت اقتصاد سوسیالیستی با برنامه ریزی دموکراتیک است که ما برای سازماندهی اقتصاد به موازات تغییر در نیازهایمان، دستمان باز خواهد بود. در صورت وجود چنین سیستمی، ما با چند میلیون کارگر بیکار رو به رو نبودیم، چرا که می توانستیم به سادگی آن ها را برای ساخت، راه اندازی و تعمیر صفحات خورشیدی یا توربین های بادی یا ساخت تأسیساتی با نیروی هیدرو-الکتریکی و بسیاری دیگر از تکنولوژی های واقعاً "سبز" آماده و تربیت کنیم.

می توانستیم عالی ترین و درخشان ترین افکارمان را در عمل به کار گیریم، اما نه در راه توسعه تکنولوژی های مخرب به سود یک اقلیت، بلکه برای اکتشاف تکنولوژی هایی نظیر همجوشی هسته ای، که با شکاف هسته ای رایج متفاوت است. بدین تریب به طور بالقوه می توانستیم منبع نامحدود، امن و ارزانی از نیرو را برای نسل های آتی تأمین نماییم. یا می توانستیم به صنایع در حال ورشکستگی اتومبیل نگاه کنیم و به سادگی، از طریق یک برنامه جهانی برای تولید، این صنایع را برای تولید اتومبیل های هیدروژنی از نو تجهیز کرده و حمل و نقل عمومی را وسیعاً گسترش دهیم. ما هم چنین می توانستیم صنایع ساختمانی را برای ساخت منازل سازمان دهیم که دارای عایق بندی بهتری بوده و به همین جهت می شود با صرف سوخت کمتری خودمان را گرم کنیم. اما با وجود سیستم سرمایه داری، چنین کارهایی هرگز صورت نخواهد گرفت. برای آینده بشریت و کره زمین، ما به سوسیالیسم نیازمندیم؛ به همین سادگی.

[1] <http://www.marxist.com/capitalism-socialism-environment.htm>